

سلبریتی‌زدگی فدراسیون‌ها

محمدرضا گلزار، میلاد کی مرام و سالار عقیلی در

ورزش چه می‌کنند؟

گزارش
 ناصر احدی
 روزنامه‌نگار

مهم‌ترین شباهت سینما و ورزش، ولع هر دوی آنها به شهرت است. هر که و هر چه از شهرت، سهم و بهره‌ای دارد، مورد توجه این دو حرفه قرار می‌گیرد. سال‌هاست که ورزشکاران محبوب و مشهور وارد سینما می‌شوند و سعی می‌کنند با جادوی سینما خودشان را در سال‌های پس از پایان دوران حرفه‌ای‌شان احیا کنند. نمونه بارز پژمان جمشیدی است که زمانی بازیکن تیم فوتبال پرسپولیس بود و حتی در تیم ملی هم بازی کرد، اما حالا ستاره بی‌چون و چرای سینمای تجاری شناخته می‌شود. در مقابل، طبیعتاً بازیگران یا خواننده‌ها که معمولاً تمرین‌های سخت ورزشکاران حرفه‌ای را پشت سر نگذاشته‌اند و توانایی‌ها و مهارت‌های آنها را ندارند، نمی‌توانند راهی به ورزش حرفه‌ای و میدان مسابقات پیدا کنند. اما اگر در ورزش حرفه‌ای بسته است، در فدراسیون‌ها که بسته نیست فدراسیون‌های ورزشی در کشور ما اشتباه زیادی به استفاده از چهره‌های مشهور غیرورزشی در سمت‌های رسمی دارند. درست است که صندلی‌هایی که به چهره‌های مشهور سینما و موسیقی در فدراسیون‌ها می‌رسد، بیشتر جنبه تبلیغی و تزئینی دارد، اما به هر حال این سؤال را پیش می‌کشد چرا یک بازیگر، یک خواننده یا هر چه غیرورزشی‌ای باید جزو ارکان یک فدراسیون باشد. مسلم است که فدراسیون‌ها با این ادعا که قصد دارند از شهرت این ورزشکاران برای توسعه و ترویج خصوصا ورزش‌های کمترشناخته‌شده استفاده کنند از آنها دعوت به همکاری می‌کنند، اما آیا محلامحمدرضا گلزار عضو هیأت‌تئیسه انجمن پدل ایران و سرپرست تیم ملی این ورزش است و باعث گسترش این ورزش در کشور شده است؟ اینکه کدام چهره‌های غیرورزشی در فدراسیون‌های ورزشی سمت گرفته‌اند موضوع این گزارش است.

محمدرضا گلزار، مربی بدن‌ساز و امین رضاییان سال ۱۳۹۸ رامین رضاییان و ویدئویی در صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام منتشر کرد که پس از اتمام رقابت‌های لیگ ستارگان قطر و حذف تیمش از مسابقات جام امیر این کشور، تمرینات اختصاصی‌اش را در تهران زیر نظر محمدرضا گلزار پیگیری می‌کند. برای این دو ستاره سینما و فوتبال که هر دوشان به بودن در صدر خبرها علاقه دارند، این خبر بیشتر نوعی تبلیغ بود. مطمئناً رضاییان با سال‌ها سابقه در فوتبال آنقدر مربی بدن‌ساز کاربلد و متخصص بدن‌سازی فوتبال سراغ دارد که نیازی به گلزار نداشته باشد، اما هیچ‌کدام از آن مربی‌ها، با وجود همه تخصص‌شان، شهرت‌شان به گرد پای گلزار نمی‌رسد.

محمدرضا گلزار در پدل

آذر سال گذشته محمدرضا گلزار به‌عنوان عضو هیأت‌رئیسه انجمن پدل ایران و سرپرست تیم ملی پدل معرفی شد. او پس از عضویت در هیأت‌رئیسه انجمن پدل ایران بیان کرد: «در این مدت خیلی تلاش کردم که این سمت را نپذیرم با وجود اینکه من عاشق ورزش هستم، مخصوصاً ورزش پدل که بسیار جذاب است. همه می‌دانید که پذیرش این سمت چه مسئولیت سنگینی است. من قول دادم که کمک کنم و به عهدم وفادارم و امیدوارم با کمک اهالی رسانه به افتخارات بین‌المللی دست پیدا کنیم. از وزارت ورزش و رئیس فدراسیون تنیس هم تشکر می‌کنم. امیدوارم بتوانیم با کمک هم بدرخشیم.» گلزار در پاسخ به این پرسش که در والیبال حضور کوتاهی داشت و آیا در پدل ماندگار است تأکید کرد: «من از محدود هنرمندانی هستم که زندگی‌ام با ورزش عجین شده است. سال‌ها والیبال را به‌صورت حرفه‌ای و باشگاهی کار کرده‌ام. در اسکی هم سال‌ها بوده‌ام. در والیبال یک فصل را به‌عنوان مربی بدن‌ساز کنار یکی از تیم‌ها بودم. برای پدل هم مطمئن باشید که تیم ملی سال آینده سورپرایزهایی دارد.» گویا حضور گلزار در پدل مربوط به بخش بین‌الملل این رشته می‌شود که این مسئله هم در نوع خود عجیب است.

همشهری

محمدرضا گلزار مربی بدن‌ساز والیبال

خونگدگی، بازیگری، مجری‌گری و هر کار و حرفه دیگری در دنیای سرگرمی نتوانست محمدرضا گلزار را آنقدر راضی کند که او را از سرزدن به دنیای ورزش معاف کند. آذر سال ۱۳۹۷ اعلام شد که گلزار از هفته هشتم رقابت‌های لیگ برتر والیبال روی نیمکت مربیگری تیم از تعاشات صنعتی ایران می‌نشیند. چند روز بعد از این خبر، رئیس وقت فدراسیون والیبال، محمدرضا داووزنی، در مصاحبه‌ای درباره حضور گلزار در لیگ برتر این رشته گفت: «از حضور هنرمندان و از جمله محمدرضا گلزار در عرصه والیبال حمایت می‌کنم. هنر و ورزش زبانی است که نسل جوان به خوبی با آن ارتباط برقرار می‌کند. حال آنکه گره خوردن این دو با یکدیگر در برقراری مستحکم‌تر این ارتباط تأثیر مثبت خواهد داشت. در اینکه محمدرضا گلزار چهره محبوب نسل جوان است، شکی نیست. جذب وی آن‌هم به‌عنوان مربی بدن‌ساز نه‌تنها باعث تقویت انگیزه‌های تیم مربوطه می‌شود، بلکه علاقه‌مندی بیشتر ورزش‌دستان به رشته والیبال و همچنین افزایش حضور تعداد تماشاگران در سالن مسابقات را هم به همراه خواهد داشت.» رئیس فدراسیون والیبال با اشاره به پیشینه ورزشی و والیبالی محمدرضا گلزار تأکید کرد: «اقدام مسئولان تیم از تعاشات صنعتی برای جذب محمدرضا گلزار از بین اهالی هنر کاملاً بجا و منطقی بود چرا که این بازیگر سینما پیش از روی آوردن به عرصه سینما یک والیبالیست بوده است و بعد از آن در عالم هنر مشغول به کار شد. درواقع محمدرضا گلزار به خانه اول خود در زمینه کاری بازگشته است و من از این بابت خوشحالم. تجربه و فعالیت‌هایی که وی در زمینه والیبال داشته، قابل توجه است و قطعاً به‌زودی شاهد تأثیرگذاری آن در تیم از تعاشات صنعتی خواهیم بود.» یک هفته بعد از منصوب شدن گلزار به سمت مربی بدن‌ساز تیم از تعاشات صنعتی ایران، این تیم ۳ بر صفر به حریفش باخت و گلزار دلیل باخت تیمش را در نبود هماهنگی تیمی در بین آنها عنوان کرد. او در مصاحبه بعد از این بازی گفته بود چند سال در باشگاه اکسیژن کار بدن‌سازی انجام داده و تجربه لازم برای انجام این کار را دارد. چند وقت بعد گلزار در مصاحبه‌ای دیگر مدعی شده بود که از زمانی که به این تیم پیوسته شاهد افزایش صمیمیت در بین بازیکنان بوده است. او در همین مصاحبه گفته بود: «اگر چه قرار دادم از تعاشات یک‌ساله است اما این به منزله کوتاه بودن دوره فعالیت‌های ورزشی من به این صورت نیست. از آنجا که پیش از این نیز تجربه‌های زیادی از حضور در میادین والیبال کسب کرده‌ام، قصد دارم این کار را ادامه دهم. اما اینکه در از تعاشات ماندگار شوم به شرایط پیش‌آمده در آینده بستگی دارد.»

نهایتاً حضور گلزار در والیبال طولانی نشد و بعد از مدتی هم رسانه‌ها علاقه‌شان را به اخبار فعالیت وی در والیبال از دست دادند.

اما این پایان فعالیت او در ورزش نبود.



«بازنده» به جای «زخم‌کاری»

با به پایان رسیدن بخش فصل سوم سریال «زخم‌کاری»، سریال «بازنده» از شبکه‌نمایش خانگی بخش خواهد شد. «زخم‌کاری» با همه فراز و نشیب‌هایش یکی از مجموعه‌های پربیننده نمایش خانگی بوده و باید دید سریالی که جایگزینش می‌شود تا چه اندازه می‌تواند مخاطب جذب کند. سریال «بازنده» از اواخر تابستان به نمایش در خواهد آمد. هم‌زمان با نزدیک‌شدن به زمان بخش سریال «بازنده» از پوستر رسمی آن رونمایی شد.

این سریال به روایت داستان کارآگاه کیانی می‌پردازد که درگیر پرونده‌ای پیچیده می‌شود و رازهای بزرگی از یک خانواده‌رابر ملامی‌کند.

امین حسینی‌پور

نویسنده و کارگردان سریال «بازنده» است و احسان‌ظلی‌پور تهیه‌کننده آن.

علیرضا کمالی، سارا بهرامی، صابر ابر، صف اسپهبدی، رویا جادویی، محمدعلی محمندی ویمان قاسم‌خانی بازیگران اصلی این سریالند.

احسان ظلی‌پور، تهیه‌کننده سریال «بازنده» پیش از این سریالی «سینا آبی» را در شبکه نمایش خانگی در فصل عرضه کرده‌بود که مجموعه‌ای کمدی بود.



پروانه نمایش برای «مسئولیت سنگینی» پس از ۳ سال

«مسئولیت سنگینی» پس از ۳سال از وزارت ارشاد پروانه نمایش گرفت. فیلم سینمایی «مسئولیت سنگینی» به کارگردانی علی جعفرآبادی و تهیه‌کنندگی مهدی فرجی و جلیل شعبانی با اعلام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موفق به کسب پروانه نمایش شد.

این فیلم سینمایی به نویسندگی علی جعفرآبادی و امیرابیلی در سال ۱۴۰۰ برای حضور در چهلمین جشنواره فیلم فجر واکران در سینماها آماده‌نمایش شده‌بود.

«مسئولیت سنگینی» محصول سازمان هنری – رسانه‌ای اوج است که قصه‌ای متفاوت از دهه ۵۰ شمسی را روایت می‌کند.

امیر نوروزی، یانته آبناهی‌ها، بهرام ابراهیمی، المیرا دهقانی، یاوان افسر، مهرداد ضیایی، حمید ابراهیمی، گلنوش قهرمانی، منصور نصیری، الهام شعبانی، نیل‌یعقوبی، محرم زینال‌زاده، مجتبی لاله‌زاری، یاسر ساغری، مریم ماهسور و دریک تک‌دیان بازیگران این فیلم سینمایی‌اند. «مسئولیت سنگینی» نخستین تجربه علی جعفرآبادی در مقام کارگردان فیلم بلند سینمایی است که به‌زودی اکران خواهد شد.

میلاد کی مرام در فدراسیون تنیس

پدل از جمله ورزش‌های راکتی است که در ایران زیرمجموعه فدراسیون تنیس است. گویا حضور گلزار خیلی به مذاق این فدراسیون خوش آمده که چند روز پیش در حکمی میلاد کی مرام را به‌عنوان رئیس کمیته تنیس ساحلی ایران معرفی کرد.

البته کی مرام قبلاً هم به‌عنوان مشاور رئیس فدراسیون و عضو کمیته ساحلی والیبال منصوب شده بود ولی حالا در سمتی دیگر قرار است فعالیت کند. فدراسیون تنیس علاقه ویژه‌ای به استفاده از سلبریتی‌ها دارد. ۱۶ فروردین سال ۱۴۰۰ هم امیر جدیدی به تیم ملی تنیس دعوت شد. سرمربی تیم ملی در آن مقطع درباره علت دعوت از جدیدی به تیم ملی گفته بود: «او قبل از اینکه بازیگر شود تنیس بازی می‌کرد و در مسابقات مختلف هم حضور داشت. اگر

سریال

یادداشت
 شقایق عرفی‌نژاد
 روزنامه‌نگار

تندیس‌هایی که واکنش برانگیز شدند



روز ۲۴ مرداد و نزدیک به ۹ ماه بعد از درگذشت بیتا

فرهی، تندیس این بازیگر ماندگار سینمای ایران در موزه سینما رونمایی شد؛ یک تندیس هایپررئال که سعی شده بود در جزئیات بسیار شبیه به صاحبش باشد، اما در کل تبدیل به تندیس‌ی شد با چهره‌ای مردانه! تندیس بیتا فرهی که نخستین تندیس از یک بازیگر زن در موزه سینماست، ساخته افروز بوجاریا و مرتضی سعیدی است. در مراسم رونمایی از تندیس، سعیدی خود بیتا فرهی را بانی ساخت این مجسمه معرفی کرد و گفت: «سال گذشته مشغول ساخت مجسمه‌ای بودم و زمانی که بیتا فرهی تصاویر مربوط به آن را مشاهده کرد به شوخی از من پرسید: چه زمان مجسمه مربوط به مرا می‌سازی؟ قصد داشتم به مناسبت تولد خاتم‌فرهی سردیس‌ی کوچک را به او تقدیم کنم، اما ایمن اتفاق رخ نداد. در ساخت این تندیس تلاش کردیم تا جزئیات بسیاری را اعمال کنیم.»

به هر حال با تمام تلاشی‌که در بازنمایی جزئیات چهره بیتا فرهی در این تندیس شد، بسیاری از مشااهده‌کنندگان گواش آن را شمایل‌ی مردانه توصیف کردند. یک روزنامه‌نگار هم در واکنش به این تندیس در صفحه شخصی‌اش نوشت: «با تشکر از زحمات هنرمند تندیس‌ساز اما به‌نظر چهره تندیس نیاز به تلاش خیلی بیشتری برای شبیه‌سازی داشت.» کاربران دیگری با لحنی بسیار صریح‌تر از واکنش این روزنامه‌نگار از اساس خواستار پایان دادن به ساخت تندیس بازیگران شدند تا دیگر چنین آثار ضعیفی ساخته نشود. هرچند دختر بیتا فرهی در پاسخ به این انتقادها گفته است: «این تندیس واکنش‌های متفاوتی را برانگیخت؛ برخی با دیدنش، حضور مادر را حس کردند و دلشان به تیش افتاد، برخی دیگر از ترس زنده‌نمایی‌اش نزدیک نمی‌شدند و عده‌ای نیز به شباهتش انتقاد داشتند و اینکه چرا چنین خلق شده است برایشان سؤال برانگیز شده بود. اما آنچه برای من به‌عنوان بازمانده‌ای هنرمند ارزشمن است، زنده نگه‌داشتن یاد اوست. باید مفهوم واژه تندیس را به‌درستی فهمید؛ اهمیت تندیس در شباهتش نیست، بلکه در شمایل نمادی است که از آن هنرمند به جامی‌ماند.

جمشید مشایخی

تندیس‌ی که در خور هنرمند نبود



اردبیهشت سال ۹۸

سردیس‌ی از جمشید مشایخی در یکی از خیابان‌های منطقه یک تهران نصب شد؛ سردیس‌ی که به گفته احمد مسجدجامعی، عضو شورای شهر وقت تهران هیچ شباهتی به مشایخی نداشت. او گفته بود: «به‌نظر می‌رسد براساس یک عکس پرسنلی مربوط به روزهای آخر حیات او ساخته شده است. این سردیس حتی در خور مشایخی نیست و بهتر است از شهرداری بخواهیم که در مورد چهره‌های ملی فکر ملی کند.»

تندیس به‌قدری ناشیانه و بی‌هیچ شباهت به مشایخی ساخته شده بود که خردادماه همان سال به کارگاه برگردانده شد تا بازسازی شود و سازنده‌اش هم تقاضی آن را پذیرفت. مجسمه اول براساس عکسی از جمشید مشایخی با محاسن و بدون عینک ساخته شده بود، اما در نسخه بعدی تصویری از او بدون محاسن و با عینک بازسازی شد.

علی نصیریان

تندیس‌ی بی‌بهره از درک خصوصیات هنرمند



آبان سال ۹۹ در باغ هنر خانه هنرمندان تعدادی مجسمه از بزرگان سینما رونمایی شد. یکی از تندیس‌ها متعلق به علی نصیریان بود که حتی اگر کنار آن هم می‌ایستاد، هیچ شباهتی نمی‌شد بین او و سردیس یافت. مجسمه آنقدر دور از علی نصیریان بود که مورد اعتراض او قرار گرفت. نصیریان در واکنش به سردیسش گفت: «این غلط است. اگر بخواهند از خودشان شخصیت بسازند باید آگاه باشند که شخصیت من نصیریان چه جور خصوصیتی دارد و در صورت و عکس من چه می‌بینند و باید آن را منعکس کنند؛ نه اینکه با تخیل خودشان یک صورت تقریباً نزدیک یا شبیه به من بسازند.»

داوود رشیدی

جای خالی تحقیق و پژوهش



سردیس علی نصیریان تنها مجسمه در باغ هنرمندان نبود که واکنش‌های منفی به‌دنیا داشت. اصولاً تمام مجسمه‌هایی که در جریان دومین سمپوزیوم مجسمه‌سازی در باغ هنرمندان نمایش داده شدند، مشکلات بسیاری داشتند؛ از بی‌ربط بودن چهره‌ها تا غیر حرفه‌ای بودن و حتی حذف عینک معروف عباس کیارستمی در تندیش. مجسمه داوود رشیدی هم که در همین مجموعه به نمایش در آمد، انتقادهای زیادی را به‌دنیا داشت.